زن در آينه انقلاب اسلامى ايران

مهتاب رضاپور

پس از طلوع جمال پيامبر خاتم(صلى الله عليه و آله و سلم), كاروان تمدن اسلامى فراز و نشيب هاى بسيارى را پيموده و به هر بيابان كه وارد آمد, رحمت خداوند در آنجا نازل شد. وادى به وادى تاريخ, لبريز از شكوفايى, سرسبزى و بركات اين كاروان است و بهمن 1357 اوج طراوت سرگذشت مسلمانان در عصر حاضر محسوب مى شود. بهارى كه دستان بزرگ مردى از سلاله پيامبر(صلى الله عليه و آله و سلم) آن را براى ملت ايران به ارمغان آورد و شميم گلهاى آن جهان را فرا گرفت و مستضعفان و محرومان از بركات آن بهره ها بردند.

جاهليت جديد هر چند بر مرد و زن ظلم مى راند اما زنان به واسطه ويژگى هاى شخصيتى و جنسى كه دارند در اين دوره بيشتر مورد تعدى و ستم قرار مى گيرند و شايد به جرإت بتوان ادعا كرد كه ثمرات انقلاب اسلامى براى زنان بيشتر از مردان بوده است.

در اين نوشتار بنا داريم كه با بررسى وضعيت زنان در پيش از انقلاب, نقش و اثر آنان را در پيروزى انقلاب و سپس تإثير انقلاب در تحول جايگاه فكرى و عملى زن در ايران را تبيين نماييم و از آنجا كه پيوندى ناگسستنى بين انقلاب اسلامى و امام خمينى(ره) وجود دارد, سعى شده است كه هر يك از اين ابعاد با توجه به ديدگاه آن بزرگوار بررسى گردد.

وضعيت زن پيش از انقلاب اسلامى

دهه هاى آخر قرن بيستم ميلادى, همزمان با پيروزى انقلاب اسلامى, عرصه حضور چهره هايى متفاوت و گاه متضاد از زنان در ايران بود. عظمت و وسعت تحولات انقلاب اسلامى ايران زمانى مشخص مى شود كه ساختار فكرى و نحوه عملكرد اين چهره ها تبيين شود.

در دهه هفتاد ميلادى, هم زمان با اوج گيرى موج سوم تمدن بشرى, تقابل دو قشر سنتى و متجدد در جهان بالا گرفت. قشر ((سنتى)) نمادى از علاقمندان به پايبندى به سنن و آداب و رسوم گذشته, اعم از صحيح يا نادرست است, به طورى كه آنها به تحولات جامعه توجهى نداشته و با هر گونه تغيير و تحول در شرايط به روال معمول مخالف هستند. اما قشر ((متجدد)) پيرو تحولات جديد و تابع مقتضيات آن است و از آنجا كه خاستگاه اين تحولات ((غرب)) است به ناچار اين قشر نيز مطابق فرهنگ غرب رفتار مى كند و با تحولات متعدد و نوين آن متحول مى شود, اگر چه آن تحولات موافق با معيارها و ارزش هاى اخلاقى, سنتى و دينى وى نباشد.

كشور ايران و به خصوص زنان ايران نيز از اين روال مستثنى نبودند و فضاى فرهنگى ـ اجتماعى حاكم بر كشور در آن دوران چنان بود كه بيشتر زنان يا بى قيد و شرط از ((غرب)) پيروى مى كردند و يا در چنبره آداب و رسوم غلط اسير بودند.

عنوان ((زن سنتى)) در دوران رژيم پهلوى گروه عظيمى از زنان ايران را در بر مى گرفت. ابعاد و محدوده عملكرد اين گروه را سنت و آداب و رسوم رايج معين مى كرد. ظاهر و پوشاك, رفتارهاى اجتماعى و فكر و انديشه ايشان به شدت تحت تإثير سنت بود و از آنجا كه سنن ايرانى با آداب اسلامى پيوندى عميق و تاريخى دارد, اغلب اين زنان نيز بنا بر سنت اجداد خويش حجاب را رعايت و از احكام اسلام پيروى مى كردند, بى آنكه تفاوتى بين سنت هاى غلط و خرافى و احكام و آداب دينى بگذارند و باز بى آنكه آگاهى و شناختى نسبت به حقيقت و منشإ هر يك از اين دو داشته باشند. در نظر اين گروه آداب و رسوم مربوط به ((عيد نوروز)) همان قدر مقدس و لازم الاجرا بود كه آداب و سنن مربوط به ((ماه رمضان)).

تقليد از سنت هاى نادرست و پيروى ظاهرى از آيين اسلام, بى هيچ معرفتى از حقيقت دين, بزرگ ترين مانع براى حضور و رشد زن سنتى در جامعه بود. زن سنتى اگر چه در برابر تغييرات مورد نظر شاه مقاومت مى كرد اما به اصلاح جامعه و پياده كردن اهداف اساسى اسلام نيز نيازى نمى ديد. غل و زنجيرى از سنت هاى نادرست به دست و پاى اين زنان بسته شده بود و همين امر مجال هر گونه رشد فكرى, شكوفايى, پوياى و مبارزه را از ايشان سلب مى كرد. به همين سبب در زمينه هاى مختلف اجتماعى اثرى از زن سنتى ديده نمى شود; زيرا اينان از فعاليت هاى اجتماعى و فرهنگى كاملا دورى مى كردند و به بيان بهتر اصلا توان حضور در اين عرصه ها را نداشتند و همين امر چهره اى ذليل و ناتوان از زن سنتى ـ مذهبى را ترسيم مى كرد به گونه اى كه حتى تا چند سال پس از پيروزى انقلاب حضور يك بانوى تحصيل كرده محجبه در عرصه هاى علمى, اقتصادى يا اجتماعى موجب شگفتى مى شد.

گروه ديگر زنان دوران رژيم پهلوى زنان ((متجدد)) يا ((فرنگى مآب)) بودند كه بدون هيچ قيد و شرطى از فرهنگ غرب پيروى مى كردند. اين گروه زن غربى را الگو قرار داده و سعى مى كردند كه با زن غربى همگام و هماهنگ و منطبق باشند.حضرت امام خمينى(ره) در اين باره مى فرماييد:

((يكى از امور ديگرى هم كه باز من گفته ام اين است كه ما را جورى بار آورده بودند كه يا بايد فرنگى مآب باشيم يا هيچى. يك نفر جوان, يك نفر خانم اگر سرتا پايش فرنگى مآب است, اين معلوم مى شود خيلى عالى مقام است و اگر چنان چه مثل ساير مسلمان ها است, اين خيلى عقب افتاده است.))(1)

زن متجدد پس از كشف حجاب رضاشاه در 17 دى 1314 متولد شد و ((خدا مى داند كه به اين ملت ايران چه گذشت. در اين كشف حجاب حجاب انسانيت را پاره كردند.))(2)

هدف از كشف حجاب برداشتن موانع از سر راه رشد و ترقى و تحصيل زن نبود, هر چند كه به ظاهر در تمامى زمينه هاى تحصيلى در مقاطع مختلف تا سطوح عالى, در زمينه هاى كارى و شغلى, در امور هنرى اجتماعى و... راه براى او هموار بود اما آنچه كه ارزش و ملاك برترى شمرده مى شد و بلندگوهاى نظام شاهنشاهى آن را تبليغ مى كردند در درجه اول ظاهر و جسم زن بود: ((شاه براى زنان اين خاصيت را قائل بود كه مى گفت: زن بايد فريبا باشد.))(3) شركت در مسابقه ((دختر شايسته)) و به بيان روشنتر ((ملكه زيبايى)) و برگزيده شدن در اين مسابقه, آرزوى بسيارى از دختران متجدد بود, مسابقه اى كه در آن ملاك نه كمال و هوش و حكمت و عقل و انديشه كه زيبايى چشم و لب و اندازه هاى بدن بود.

مفهوم آزادى زن در آن دوران, بيش از آن كه حوزه هاى انسانى و اخلاقى را در برگيرد و راه رشد و ترقى زن را فراهم كند, زمينه ساز بهره بردارى سهل تر و بردگى بيشتر زن شد: ((ما دو قسم آزادى داريم كه يك قسم مفيدش در غير زمان اين دو جنايتكار(4) بود و در زمان اينها اين قسم از آزادى به كلى ممنوع بود و آن آزادى كه آنها مى خواستند كه زن ها آزاد باشند كه هر جورى بزك بكنند و بيايند توى خيابان ها و با جوان ها خداى نخواسته چه كنند. آن را آزادى قرار داده بودند. ))(5)

زن در اين دوران تبديل به ((شىء)) اى شد كه به نام آزادى استفاده از آن به سهولت امكان پذير گرديد. كاربرد زنان در حوزه اقتصاد بسيار مطلوب تر از مردان بود چرا كه زن نيروى كار ارزان تر و فرمانبردارتر از مرد, در توليد و صنعت است, نيرويى كه پس از استفاده از توان فكر و بازويش, او را تحت تإثير مد و تجمل قرار مى دادند تا از يك سو هم خود مصرف كننده توليداتش باشد و هم راحت تر از زن سنتى مورد بهره بردارى جنسى قرار مى گرفت. در اين ميان تنها گروه اندكى از زنان بودند كه با معرفت حقيقى از دين و نيز تكيه بر آيين اصيل ملى از زمينه هاى فراهم شده بهترين استفاده را كردند. ((زن مسلمان ايرانى)) كه در دوران ستم شاهى در اقليت قرار داشت با حضور در صحنه هاى جهاد و مبارزه, همگام با مردان با طاغوت مبارزه مى كرد, شهيد مى شد و يا زندان مى رفت: ((امروز زنان آزاده ما زندان ها را پر كرده اند.))(6) و يا عرصه هاى علم و حكمت را در مى نورديد كه نمونه بارز آن عالمه مجتهده بانو امين ـ رحمه الله عليهاـ بودند.

و زنان ايران با چنين ساختار فكرى و عملى در آستانه بروز انقلاب اسلامى قرار گرفتند, در حالى كه هر يك از اين گروه ها از سوى خيل عظيمى از هم فكران مرد خويش حمايت مى شدند.

نقش زنان در پيروزى انقلاب اسلامى ايران

به واقع انقلاب اسلامى ايران كه در سال 1357 به پيروزى رسيد, جنبشى بود كه در پانزده خرداد 1342 آغاز شد. زن مسلمان ايرانى نيز در اين سالهاى آتش زير خاكستر, همگام با مردان در جهاد و مبارزه با طاغوت بود و هر چه به سال 1357 نزديك مى شد بر تعداد و بر شدت فعاليت اين زنان افزوده مى شد. با شعله ور شدن آتش انقلاب, زن مسلمان نيز كه تا پيش از اين با فعاليت هاى مخفى و به عنوان مادر شهيد و يا همسر مبارزين در بند با رژيم شاه مبارزه مى كرد, به خيابان ها آمد, با چادر مشكى, با فرزندش كه او را در بغل گرفته بود, با مشتهاى گره كرده و با فرياد ((مرگ بر شاه)):

((شما در چه تاريخى چنين ديده ايد؟ امروز زن هاى شير دل طفل خود را در آغوش كشيده و به ميدان مسلسل و تانك مى روند, در كدام تاريخ چنين مردانگى و فداكارى از زنان ثبت شده است.))(7)

و همين حركت ايشان نهضت را قوت و تداوم بخشيد:

((آمدن شما خانم ها به خيابان ها و ميدان هاى مبارزه موجب اين شد كه مردها هم قوت پيدا بكنند, تقويت بشوند, روحيه آنها هم با آمدن شما تقويت بشود.))(8)

((مردها به تبع زنها در خيابان ها مى ريختند, تشويق مى كردند زن ها مردان را, خودشان در صف هاى جلو بودند.))(9) شهادت شهيد, ثمره دامان پر مهر و اندوخته دستان زحمتكش مادران فهيم و گرانقدرى است كه محبت مادرى را با عشق الهى پيوند مى زنند و روح و جان فرزندان خود را آماده مى سازند كه به قربانگاه شهادت قدم گذارند, و به همين جهت حضرت امام خمينى(ره), بزرگ مصلح قرن در جاى جاى كلام خويش زنان را پيشگامان انقلاب معرفى مى كند:(10)

زنانى كه خود در تظاهرات در صف مقدم حاضر بودند;

زنانى كه با حركت خود, مردان را براى حضور و مبارزه تشجيع كردند;

زنانى كه فرزندان خود را براى شهادت تربيت كردند;

زناى كه با پاسدارى از خون شهدا, انقلاب را تداوم بخشيدند...

امام(ره) مى فرمايند: ((ما نهضت خودمان را مديون زن ها مى دانيم.))(11) و همين نكته براى بيان نقش زنان در پيروزى انقلاب اسلامى از هر كلامى رساتر است .

انقلاب اسلامى و تحول جايگاه زن

هم زمان با پيروزى انقلاب و استقرار نظام اسلامى, ديدگاه سنتى خواستار شدت يافتن محدوديت زنان و عدم حضور ايشان در صحنه هاى مختلف سياسى, اجتماعى و فرهنگى شد. اين جريان در چند ساله آغازين استقرار جمهورى اسلامى شتاب بالايى داشت. از سوى ديگر خواسته هاى برخاسته از ديدگاه متجدد و فرنگى مآب نيز در مقابل عوارض و قوانين نظام اسلامى مانند حجاب و عدم حضور زنان در برخى مشاغل و فعاليتها, مقاومت مى كرد. مشخص نبودن حدود واقعى حقوق و جايگاه زن در آن دوران, در نظام اسلامى به اين امر دامن مى زد. هر دو جريان على رغم تضاد و تقابلى كه داشتند در مقابل مواضع انقلاب مقاومت مى كردند. هر ديدگاه بنا به تفسير خود از زن, از جمهورى اسلامى در خواست هايى داشت و امام به سبب ويژگى هاى علمى و شخصيتى كه داشتند توانستند با حركت اصلاحى خود هر دو ديدگاه را تعديل نمايند.

حضرت امام از منظر يك مصلح و راهبر, نگرش نوينى را در مورد زن ارايه كردند. حضور سازنده زن در صحنه هاى تاريخ و در ابعاد گوناگون سياسى, اجتماعى, فرهنگى, مبارزاتى و... امرى انكار ناپذير است. اما مهم انديشه اى است كه بر مسند قرائت تاريخ نشسته است. امام خمينى(ره) زن را از زواياى پنهان تاريخ و حضور مبهم و كم رنگ آن در ناخود آگاه جامعه به صحنه خود آگاهى و فعال رساند.

رويكرد امام خمينى به مقوله زن داراى دو بعد است. ايشان در يك بعد تبيينى و تفسيرى به فروافكنى ديدگاههاى نادرست نسبت به زن پرداخته و جايگاه زن را در تفكر اصلاحى خويش معين ساخته و در بعد دوم ساختار اجرايى و تربيتى و تهذيبى مناسب با شخصيت زن را ارايه نمودند.

حضرت امام در مبحث كلامى زن را همچون مرد در پيشگاه خلقت دانسته اند. از نظر ايشان زن و مرد هر دو انسان هستند و هر دو توان رسيدن به بالاترين مراحل رشد و كمال را دارند,(12) و در عالى ترين مراحل كمال زن الگو و اسوه شده و مردان نيز بايد به وى اقتدا كنند:

((الگو حضرت زهرا(عليهاالسلام) است.))(13)

تعبيرات امام از مقام و منزلت حضرت فاطمه زهرا(عليهاالسلام) و معرفى ايشان به عنوان يكى از نمونه هاى انسان كامل و نيز برگزيدن روز ميلاد آن حضرت به عنوان ((روز زن)) براى معرفى الگوى برگزيده زن در اسلام ريشه در اين تفكر دارد و اين در حالى است كه پيش از انقلاب روز 17 دى, روز كشف حجاب, ((روز زن)) بود.

از ديگر مبانى انديشه اصلاحى امام بازخوانى منزلت اجتماعى زن از منظر دين بود. اصل اساسى مورد نظر ايشان در مورد حضور زن در صحنه هاى سياسى, مبارزاتى و... ممانعت از ((شىء وارگى)) زن است و مطابق همين اصل است كه برخوردهاى متفاوت و گاه متضاد امام قابل توجيه مى شود. در سالهاى آغازين دهه چهل و در ابتداى نهضت مخالفت صريح حضرت امام با حق رإى زنان (اشاره به لايحه دولت اسدالله علم مبنى بر شركت بانوان در انتخابات) و نيز مخالف ايشان با تساوى حقوق زنان و سربازى بردن دختران برخاسته از همين اصل است, چنان كه ايشان خود مى گويند: ((مگر با چهار تا زن فرستادن به مجلس ترقى حاصل مى شود؟ مگر مردها كه تا حالا بودند ترقى براى شما درست كردند تا زنهايتان ترقى درست كنند؟... ما با ترقى زنان مخالف نيستيم, با اين فحشا مخالفيم با اين كارهاى غلط مخالفيم.))(14)

اما پس از پيروزى انقلاب و تغيير شرايط اجتماعى از آنجا كه حضرت امام زمينه را براى رشد و حضور سازنده آنها آماده مى بينند خواستار حضور فعال زنان در صحنه هاى مختلف مى شوند:

((شما هم (زنان) بايد رإى بدهيد. شما هم با سايرين فرقى نداريد, بلكه شما مقدميد بر مردها.))(15)

((شىءوارگى)) محصول نظام استثمارگر است كه هم زن و هم مرد را مورد سودجويى قرار مى دهد. حذف نظام ظالم و استثمارگر زمينه ساز حضور رو به كمال مرد و زن مى شود. و از اين رو حضرت امام در تبيين حدود جايگاه اجتماعى زن در يك نظام ايدهآل مى فرمايند: ((در نظام اسلامى زن به عنوان يك انسان مى تواند مشاركت فعال با مردان در بناى جامعه اسلامى داشته باشد ولى نه به صورت يك شىء, نه او حق دارد خود را به چنين حدى تنزل دهد و نه مردان حق دارند كه به او چنين بينديشند.))(16)

و نيز: ((اسلام زن را مثل مرد در همه شوون ـ در همه شوون ـ همان طورى كه مرد در همه شوون دخالت دارد زن هم دخالت دارد.))(17) و در اين زمينه از يك سو دايره سخنان امام از توصيه فراتر رفته و وارد قلمرو الزام مى شود: ((زن بايد در مقدرات اساسى مملكت دخالت كند.))(18) و از ديگر سو ايشان اين حضور را با كرامت و شرافت ويژه اى توإم مى سازند: ((ما نهضت خودمان را مديون زنها مى دانيم. مردها به تبع زنها در خيابانها مى ريختند.))(19)

از ديگر نكات مهم انديشه امام در مورد نسبت ميان زن و مرد است. در ديدگاه سنتى زن موجودى درجه دو تلقى مى شود. در ديدگاه متجدد با آنكه دايره اختيارات زن افزايش يافته اما وى بيشتر نقش جايگزين را دارد كه در مواقع ضرورت و اضطرار جاى خالى مرد را پر مى كند و در نهايت زن پس از مرد قرار دارد. در فمينيسم نيز ـ كه امروزه به عنوان پيشروترين نهضت زنانه در دنيا شناخته مى شود ـ زن برتر از مرد است بلكه در مقابل مرد قرار دارد و براى احقاق حقوقش بايد با تمام قوا در مقابل مرد بايستد و جامعه ايدهآل آن, جامعه يك جنسيتى و زنانه است.

از منظر امام زن و مرد به لحاظ انسانى نسبت تساوى دارند:((زن مساوى مرد است. زن مانند مرد آزاد است كه سرنوشت و فعاليتهاى خود را انتخاب كند.))(20)

حضرت امام با توجه با شناختى كه از روحيات لطيف و خواسته هاى فطرى و طبيعى يك زن ـ كه مناسب جنگ و خونريزى نيست ـ دارند حضور فعال ايشان در صحنه هاى مختلف انقلاب و پس از آن در دفاع هشت ساله را با عبارات گوناگون ارج گذاشته بر جايگاه برتر ايشان تإكيد مى ورزند: ((شما رهبران نهضت هستيد, بانوان رهبران نهضت ما هستند, ما دنباله رو آنها هستيم, من شما را به رهبرى قبول دارم و خدمتگزار شمايم.))(21)

به صورت طبيعى پس از تبيين و تفسير جايگاه و منزلت اجتماعى زن از سوى امام خمينى(ره), زمينه براى حضور فعال و سازنده زن در نظام اسلامى فراهم شد. به همين جهت ايشان از يك طرف حدود فعاليتهاى علمى, اجرايى, سياسى, حقوقى و...زنان را معين مى سازند و از طرف ديگر با بررسى تنگناهاى موجود, راه حل هايى مناسب را ارايه مى كنند. در اين مرحله امام به تعديل نظرات مختلف مى پردازند. مخاطبين امام در اينجا همگان هستند, بويژه آنان كه نظرشان هماهنگ با امام نيست: ((آنهايى كه كارشكنى مى كنند( اشاره به كسانى كه به بهانه هاى مختلف با فعاليتهاى اجتماعى زنان مخالف مى كردند) اگر مسلمان هستند, اين خدمت بزرگى كه اين خانمها و اين بانوان دارند مى كنند و پيش خدا خدمت شايسته است, از معاصى كبيره است كه كارشكنى در اين موضوع بكنند و اگر چنان چه آنها هستند كه پايبند به اسلام نيستند و مى خواهند هرزگى بكنند, فصل هرزگى گذشت, ديگر به شما اجازه نمى دهند بانوان ايران كه كارهايى كه سابق مى كرديد, اين كارها را اعاده بدهيد.))(22)

در نگرش امام خمينى(ره), هر چند زن حق حضور در تمامى امور را دارا مى باشد اما مقام مادرى داراى جايگاه ويژه اى مى باشد و به همين سبب مادرى را بالاترين شغل, شغلى شريف, شغل معلمى, بالاتر از معلمى و شغل انبيا و انسان سازى مى داند و به همين سبب مادر بودن و تربيت فرزندان را اصلى ترين وظيفه زن و جدا كردن فرزند را از مادر از عوامل انحطاط جامعه مى داند: ((در طول اين سلطنت, اينها كوشش كردند كه مادران را از بچه ها جدا كنند, به مادرها تزريق كردند كه بچه دارى چيزى نيست, شما توى ادارات بياييد و اينها بچه هاى معصوم را جدا كردند از دامن مادران و بردند در پرورشگاه ها و جاهاى ديگر و اشخاص اجنبى و غير رحيم آنها را به تربيت فاسد تربيت مى كردند. بچه اى كه از مادرش جدا شد پيش هر كه باشد عقده پيدا مى كند, عقده كه پيدا كرد مبدإ بسيارى از مفاسد مى شود. بسيارى از قتلهايى كه واقع مى شود, از روى همين عقده هايى است كه پيدا مى شود و بسيارى از عقيده ها از اين پيدا مى شود.))(23)

در مجموع انقلاب اسلامى ايران موجب تحولاتى در فرهنگ و ساختار فكرى جامعه و به طور اخص زنان گرديد كه جهشى باور نكردنى را در وضعيت ايشان پديد آورد. افزايش تعداد تحصيل كرده ها, دانشآموزان و دانشجويان, اساتيد, هنرمندان, شاغلان و فعالان اقتصادى و اجتماعى, توجه خاص به وضعيت حقوقى زنان و تصويب قوانين متناسب با وضعيت روز ايشان همانند قانون ((تعيين مهريه به نرخ روز)), توجه به وضعيت اشتغال زنان و تصويب قوانين كار متناسب با شإن مادرى و همسردارى زنان, همچون استفاده از تعطيلات دوران زايمان, كار نيمه وقت, بازنشستگى پيش از موعد و ... از دستاوردهاى انقلاب براى زنان بوده است, هر چند كه تا ايجاد وضعيت مطلوب فاصله بسيار است.

كلام آخر

روند اصلاحى انديشه حضرت امام در دوران ده ساله اول نظام جمهورى اسلامى و تداوم آن به وسيله خلف صالح ايشان حضرت آيت الله خامنه اى ـ دام ظله العالى ـ موجب شده كه زمينه رشد زنان فراهم گشته و اين نيز ظهور استعدادهاى ايشان و حضور فعال در صنعت, علوم, سياست, هنر و... را به دنبال داشت. اما به نظر مى رسد سمت و سوى اين روند در حال حاضر بيشتر متوجه حضور زن در جامعه مى باشد و در مقابل توجه به وظايف اصلى زن يعنى مادرى و همسرى كم رنگ شده است. هر چند سياست اجتماعى جهانى, زنان را از شاخصه هاى توسعه مى داند اما بايد توجه داشت كه پايبندى به اصول انديشه امام در مورد زن, جامعه بشرى را به سمت توازن اجتماعى سوق مى دهد و در اين مورد سياست گذاران نظام نبايد دستخوش جو حاكم جهانى شوند.

حضرت امام در پاسخ فقهاى شوراى نگهبان در مورد يكى از تنگناهاى طلاق مى گويد: ((طريق احتياط آن است كه زوج را با نصيحت والا با الزام وادار به طلاق نمايند و در صورت ميسر نشدن به اذن حاكم شرع طلاق داده شود و اگر جرإت بود مطلبى ديگر بود كه آسانتر است.))(24) بى شك عبارت ((اگر جرإت بود)) حاكى از ضعف امام نمى باشد, بلكه دليلى بر وجود جو نامناسب فرهنگى است و ايشان به سبب نگرانى از لوث شدن مطلب از بيان آن خود دارى كرده اند. بنابراين تداوم انديشه امام نيازمند همت صاحبان انديشه, براى ايجاد زمينه هاى مناسب فرهنگى و رفع مشكلات و تنگناهاى حقوقى زنان مى باشد.

((و اميد آن است كه جامعه زنان, از غفلت و خواب مصنوعى كه از جانب چپاولگران بر آنان تحميل شده است, برخيزند و همگان دوش به دوش هم, به داد بازىخوردگان برسند و زن را به مقام والاى خود هدايت كنند و اميد است كه زنان ساير كشورهاى اسلامى, از تحول معجزه آسايى كه براى زنان ايران در اثر انقلاب بزرگ اسلامى حاصل شد, عبرت گرفته و بكوشند تا جامعه خود را اصلاح نمايند و كشورهاى خود را به آزادى و استقلال برسانند. رحمت و بركت حق تعالى نثار زنان با شخصيت اسلام و ايران.))(25)

پى نوشت ها

1. امام خمينى(ره), تبيان دفتر هشتم: جايگاه زن در انديشه امام خمينى(ره), موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى(ره), چاپ چهارم 1376, ص 227.

2. همان, ص 232.

3.همان, ص 258. 4.رضا شاه و محمدرضا پهلوى .

5.تبيان دفتر هشتم, ص 263.

6.همان, ص 85, 7 /10/57.

7.همان, ص 176.

8.همان, ص 171.

9.همان, ص 169.

10.رك: همان, صفحات 167 الى 175.

11.همان, ص 169.

12.رك: همان.

13.همان, ص 25.

14. همان, ص 247.

15.همان, ص 68.

16.همان, ص 65.

17.همان, ص 58.

18.همان, ص 67.

19.همان, ص 169.

20.همان, ص 83.

21.همان, ص 169.

22.همان, ص 75.

23.همان, ص 136.

24.پيام زن, شماره 63, ص 6, به نقل از: مجموعه نظريات شوراى نگهبان, دكتر مهرپور.

25.امام خمينى, تبيان دفتر هشتم, ص 36, 2/ 4/60.